

بررسی عوامل گروهی و خرده فرهنگی مؤثر بر خشونت‌گرایی تماشاگران فوتبال^۱

موسی عنبری*

چکیده

چند سالی است که اخبار حاشیه‌های فوتبال به ویژه خارج از اسنادیومها با خبرهای متن فوتبال برابری می‌کنند. در میان خبرهای حاشیه‌ای، رفتارهای تماشاگران از جمله خشونت‌گرایی آنها جایگاه مهمی دارد. در ایران، خشونت‌گرایی در فوتبال به هیچ‌وجه مانند کشورهای اروپایی نیست؛ اما به تأثیر از هیجانات و حساسیت‌های ایجاد شده حول مسابقات داخلی و ملی، تماشاگران و هوادارانی به نسبت خشن در برخی مسابقات، شرایط خشونت‌باری را بر جمع تماشاگران حاکم کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش پیمایشی، میان ۱۰۲۰ نفر از تماشاگران فوتبال در مسابقات پرتماشاگر کشور انجام گرفته است. در این تحقیق که با هدف شناخت دلایل اجتماعی خشونت‌گرایی تماشاگران فوتبال آغاز شده است، اثرات سه دسته متغیرهای هویتی، گروهی و وضعیتی بر خشونت در فوتبال مفروض انگاشته شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بخشی از دلایل خشونت‌گرایی و درگیریها در میداين ورزشی را باید در عوامل زیر جستجو کرد: سن افراد (میانگین سن ۲۱ سال)، احساسی بودن رفتار و فعالیتها در جمع تماشاگران، بی‌نامی، تلقین‌پذیری و فشار گروه و جمع، مطالعه مطبوعات تیم‌گرا و تأثیرپذیری از تفاسیر آنها، عملکرد نیروی انتظامی حاضر در میدان، احساس نبود نیروهای کنترل‌کننده در جمع و بروز رفتارهای عنادورزانه و کینه‌توزانه، احساس علاقه و تعلق قطبی و افراطی به یک تیم خاص (تیم‌گرایی). بنابراین می‌توان گفت که خشونت فوتبال - در تحلیلی جامعه‌شناختی - تابعی از ویژگیهای خرده فرهنگی تماشاگران، ساختار گروهی جماعت تماشاگر و وضعیت عناصر مداخله‌گر در میدان مسابقه (اعم از داور، نیروهای انتظامی و...) است. بدیهی است اگر خواسته شود در راستای مدیریت بهینه فضای تماشاگران و اعمال در رفتارهای خشن آنان تلاشی صورت گیرد، توجه به عوامل مذکور به موفقیت امر کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: فوتبال، تماشاگران فوتبال، خشونت‌گرایی، جماعت فعال، شرایط خرده فرهنگی،

ساختار گروهی، عوامل وضعیتی.

۱. این مقاله از یافته‌های طرح پژوهشی «بررسی علل خشونت‌گرایی در میان تماشاگران فوتبال» با حمایت معاونت اجتماعی ناجا و همکاری جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران استخراج شده است. ر.ک.: یادداشتها.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران / anbari52@yahoo.com

مقدمه

در سالهای اخیر، تحقیقات، مقالات و گزارشهای بسیاری حول ورزشهای مختلف نوشته شده است. این امر قبل از هر چیز اهمیت ورزش در دنیای جدید را بازگو می‌کند. امروزه ورزش به عنوان نهادی اجتماعی نظیر دیگر نهادها، تشکیلات و روابط خاص خود را دارد و بر حیات اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. این نهاد، عامل گسترش شبکه تعاملات اجتماعی جدید میان افراد جامعه است. وجود دسته‌های مختلف ورزشی در جامعه و رقابت میان آنها، به پیوند و اتحاد افراد در قالب هواداران ورزشها و تیمها می‌انجامد. بسیاری از افراد از این طریق ارتباط نزدیکی با یکدیگر برقرار می‌کنند که خود کنشها و رفتارهای خاص گروهی نوینی را ایجاد خواهد کرد.

ورزش، کارکردها و دلالتهای اقتصادی و سیاسی دارد. اهمیت این کارکردها به قدری است که ادبیات قابل ملاحظه‌ایی تحت عناوین «اقتصاد ورزش»، «روانشناسی ورزش»، «جامعه‌شناسی ورزش» و «توریسم ورزشی» فراهم شده است. در بعد اقتصادی، با حرفه‌ای شدن ورزش، افراد بسیاری به طریق مستقیم و غیرمستقیم از طریق آن کسب معیشت می‌کنند. بسیاری از شرکتهای بازرگانی، بهترین راه تبلیغ کالاهای خود را ورزش می‌دانند و سالانه میلیونها دلار صرف تبلیغ در برنامه‌های ورزشی می‌کنند. ورزش رسانه‌ایی شده در جامعه امروز، نشان از صرفه‌های اقتصادی و غیراقتصادی آن دارد. کارکرد اقتصادی ورزش بسیاری از دولتها را واداشته است که برای میزبانی انواع مسابقات بین‌المللی نظیر المپیک، جام قهرمانی جهانی و... با هم به رقابت بپردازند.

در بعد سیاسی، می‌توان از ورزش به عنوان عاملی برای سرگرمی افراد به‌خصوص قشر جوان، سرکوب احساسات سیاسی و سرپوش گذاشتن بر روابط قدرت در طبقه حاکم را یاد کرد. در چنین زمینه‌ای، حکومتها خود عامل مهم گسترش و تبلیغ ورزش به منظور هدایت افراد به سوی آن و بهره‌برداری سیاسی از آن خواهند بود.

فارغ از اثرات ساختاری و نهادین، ورزش عاملی برای سلامتی و نشاط و هویت‌آفرینی در جامعه است. بی‌گمان گسترش جامعه و تمدن اخیر موسوم به «فراغت»، بی‌ارتباط با گسترش ورزش و بسط گونه‌ها و نهادهای مرتبط با آن نیست.

در میان ورزشهای گوناگون، فوتبال و بیژگیهای خاصی دارد که آن را به جذاب‌ترین و پرطرفدارترین ورزش دنیا تبدیل کرده است. فوتبال امروزه دیگر به عنوان ورزش صرف با اهداف تفریحی و فرهنگی تلقی نمی‌شود، بلکه صنعت و پدیده‌ای با کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. فوتبال به علت گسترش زیاد آن در سطح جهان به شکل حرفه‌ای با نظام و ساختار روابط اجتماعی خاص در آمده است. تعادل و هماهنگی میان عناصر درونی این ساختار، به بروز کارکردهای مثبت در این ورزش

می‌انجامد؛ اما اگر تعادل و هماهنگی در آن از بین برود، نوعی تعارض و اثرات منفی از آن تراوش می‌کند؛ برای مثال گاهی در فوتبال صحبت از جوانمردی و اخلاق می‌شود، ولی اقتصاد آن عقل منفعت‌طلبانه و پول را بر آن مقدم می‌دارد. در چنین مواردی نوعی تعارض بین این دو حوزه ایجاد می‌شود که اثرات منفی آن بر دیگر حوزه‌های اجتماعی نیز قابل مشاهده است. شاید بتوان خشونت‌گرایی تماشاگران را یکی از توابع منفی این پدیده تلقی کرد.

فوتبال علاوه بر کارکردهای مختلفی که دارد، واجد برخی ویژگیهای منحصر به فرد است که آن را از سایر ورزشها متمایز می‌کند. برای نمونه برخی از اهم ویژگیهای این ورزش به قرار زیر است:

- فوتبال، ورزشی گروهی است که موفقیت آن به خلاقیت فردی و تعامل گروهی وابسته است؛
- فوتبال، ورزشی غیرابزاری است؛ بدین معنی که در آن، ابزارها توان بدنی و مهارتهای بازیکنان را افزایش نمی‌دهند. مهارتها و حرکتها، به خلاقیت بازیکنان بستگی دارد نه به کفشها یا لباسهای آنان.
- فوتبال یگانه ورزش گروهی با توپ است که با پا انجام می‌شود؛

- فوتبال، ورزشی بسته میدان و زمان است؛ یعنی در میدانی (استادیوم)، با فضای محدود انجام می‌شود. برخلاف ورزشهایی نظیر والیبال که در آنها زمان مطرح نیست، رسیدن به حد نصاب امتیاز اهمیت دارد، فوتبال در یک زمان ۹۰ دقیقه‌ای برگزار می‌شود، لذا دارای زمان محدود و مشخص است.
- فوتبال، ورزش کم امتیازی است؛ یعنی در مسابقه فوتبال امکان رد و بدل شدن گل‌های فراوان به ندرت رخ می‌دهد. در حالی که در ورزشهای دروازه‌دار نظیر هندبال و واترپلو تعداد گلها بسیار بالاتر از فوتبال است. همین کم شمار بودن گلها در فوتبال سبب می‌شود در هر لحظه که امکان دستیابی به گل وجود داشته باشد، هیجان زیادی در افراد ایجاد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت تماشاگران ۹۰ دقیقه و حتی در مواردی، بیشتر از این زمان دستخوش هیجان و اضطراب می‌گردند.

برخی از تماشاگران فوتبال را به طور مستقیم (در ورزشگاه) تماشا می‌کنند و گروه زیادی به طور غیرمستقیم (از طریق تلویزیون) به تماشای مسابقات فوتبال می‌پردازند. مطالعه رفتار این تماشاگران در ورزشگاهها و بیرون از آن به عنوان پدیده‌ای اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. چنانچه رفتار این افراد و جماعت، وجوه خشونت‌آمیز و تخریبی پیدا کند، ضرورت مطالعه و پیشنهاد راههای تقلیل این رفتارها در جامعه مضاعف خواهد شد.

فوتبال و خشونت

از زمان پیدایش فوتبال تا به حال، هیجان و خشونت دو جزء جدایی‌ناپذیر آن بوده‌اند. بررسی سیر تاریخی فوتبال نشان می‌دهد که رقابت برای تصاحب توپ با انواع زد و خوردها در میان بازیکنان و تماشاگران همراه

بوده است. در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان قوانین مدونی برای انجام بازی فوتبال وضع شد. تا پیش از این زمان، فوتبال ورزشی خشن شبیه میدان جنگ بود. با قانونمند شدن، از میزان خشونت آن کاسته شد، ولی از بین نرفت. موج جدید خشونت و آشوب‌گری در فوتبال از دهه ۶۰ در انگلستان شروع شده است. حوادث مرگبار و خسارتهای فراوان به مکانهای عمومی از پیامدهای این موج جدید بوده است. تا قبل از این حوادث، هواداران خشونت‌طلب را با عناوینی چون «وحشی» و «ولگرد» خطاب می‌کردند، اما گسترش موج آشوب در فوتبال سبب وضع اصطلاح «هولیگان»^۱ به معنی آشوب‌گر فوتبال گردید. حوادث خشونت‌بار فراگیر شد و سراسر اروپا به ویژه غرب و جنوب این قاره را دربر گرفت. عالمان و کارشناسان اجتماعی علاقه‌مند به مطالعه به این خشونت‌ها کوشیدند تا علل و پیامدهای چنین حوادثی را تبیین کنند.

در حال حاضر خشونت و آشوب مختص قاره اروپا نبوده، بلکه در هر جایی که فوتبال شکل حرفه‌ای و تجاری به خود گرفته است، وجود دارد. حرفه‌ای شدن فوتبال و اهمیت سرمایه‌گذاریهای اقتصادی در آن حساسیت بازیهای فوتبال را بالا برده است، در نتیجه شماری از تماشاگران نیز به صورت حرفه‌ای و بانندی به انجام حرکات و اعمال خشن اقدام می‌کنند. رواج واژه‌هایی چون «هولیگان» (آشوب‌گر) در انگلستان، «رولیگان» (آرامش‌طلب)^۲ در دانمارک، «سکین‌هد» (کله پوستی)^۳ در آلمان و ایتالیا، باراس براواس^۴ در آرژانتین، گویای این امر است (دیوک و کرولی، ۱۹۹۶؛ کلارک، ۱۹۹۳؛ آرچیتی، ۱۹۹۴؛ مارش، ۲۰۰۰).
به منظور اجتناب از طولانی شدن کلام، در زیر مطالبی را به اختصار درباره خشونت‌های فوتبالی در جهان، بیان می‌کنیم:

۱. کشورهای انگلستان، ایتالیا، آلمان، آرژانتین و اسپانیا به نسبت سایر کشورهای دنیا، بیشترین خشونت فوتبال را در تاریخ خود داشته‌اند.
۲. برخی از رفتارها و گونه‌های خشونت در تمامی کشورهایی که بازی فوتبال دارند، مشترک است. برخی خشونت‌ها و بی‌نظمیها تقریباً عام و جهان‌شمول‌اند که به طور اجتناب‌ناپذیر از ویژگیهای ورزش فوتبال هستند. از این رو ریشه کن کردن آنها ممکن نیست.
۳. بی‌نظمیهای مربوط به فوتبال، مشابه نیستند و بر اثر عوامل یکسان نیز به وجود نیامده‌اند. بنابراین راه‌حل یکسان برای بی‌نظمیهای فوتبال در جوامع، نتایج متفاوت دربر خواهد داشت.
۴. در عمده کشورهای فرضیه بی‌نظمی در فوتبال را با تأکید بر یک عامل خاص تبیین می‌کنند؛ مثلاً در انگلستان از طبقه (کارگر) به عنوان عامل بی‌نظمی یاد می‌شود (مطالعات کلارک، ۱۹۷۸ و تایلر،

1. Hooligan
2. Roligan
3. Skinhead
4. Barras Bravas

۱۹۸۲ بر همین نکته تأکید دارند). در ایرلند شمالی از فرقه مذهبی، در اسپانیا از ملی‌گرایی، در ایتالیا، تقسیم بین شمال و جنوب و در آرژانتین و دیگر کشورها، از عوامل دیگر به منزله علت اصلی بی‌نظمی در فوتبال یاد می‌شود.

۵. با وجود خصایص ملی و تاریخی و خصوصیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلف، در چگونگی و میزان خشونت در فوتبال در کشورهای مختلف دنیا تشابهات فرهنگی مهمی دیده می‌شود. در بیشتر کشورها، ابتدا خشونت‌های اندکی در باشگاهها اتفاق افتاده که بین برگزارکنندگان آن مانند داوران یا خود بازیکنان بوده است. در مرحله دوم، خشونت‌ها میان طرفداران گروههای رقیب یا میان طرفداران تیمها و پلیس در باشگاهها تسری می‌یابد. سومین مرحله شامل افزایش قابل توجه خشونت در خارج از استادیوم است مانند زد و خورد‌های بین طرفداران گروههای رقیب در خیابانها، ایستگاههای قطار، پارکینگها و پایانه‌ها و تخریب کاری و برخورد با پلیس می‌شوند. در مرحله سوم، آشوب‌گری هدفی غیر از فوتبال که شامل اهداف خاص سیاسی، اقتصادی دنبال می‌کند.

۶. در بیشتر کشورهایی که فوتبال در آنها سابقه زیادی دارد مانند کشورهای اروپایی، خشونت در فوتبال مشکلی داخلی است و عمدتاً در مسابقات باشگاهی رخ می‌دهد. طرفداران تیمها در خارج از کشور متبوع دست به اعمال خشونت‌آمیز نمی‌زنند. انگلیسیها در این قاعده استثنا هستند.

۷. در تحقیقات دانشگاه لئون^۱ چنین نتیجه‌گیری شده است که خشونت در فوتبال یک «بیماری انگلیسی»^۲ است و تمامی مشکلات مربوط به آشوب‌گران انگلیسی است. انگلیسیها الگوهای رفتاری مهمی برای آشوب‌گران سراسر اروپا به شمار می‌آیند؛ اما شواهد تاریخی و یافته‌های تحقیقاتی بر تفاوت‌های بین‌المللی در این خصوص تأکید دارند. برخی حامیان فوتبال در اروپا، آشوب‌گران انگلیسی را الگوی رفتار خود می‌پندارند، اما برخی دیگر مانند گروه تارتان اسکاتلند، رفتار متفاوتی دارند و آگاهانه مدل انگلیسی را رد می‌کنند. بر این اساس، «بیماری» دیگر نمی‌تواند «انگلیسی» خوانده شود. شواهد نشان می‌دهد که در کشورهای مختلف دنیا به خصوص اروپا، فرهنگهای فوتبالی متفاوتی با شکلهایی از فعالیتهای آشوب‌گران گسترش یافته است. این واقعیت که آشوب‌گری انگلیسی ده سال در این امر پیشتاز بوده است به این معنی نیست که آشوبهای بعدی در اروپا و جهان تقلیدی از آن بوده‌اند. آشوب‌گران انگلیسی، رفتارها و علایمی را به وجود آوردند که در میان طرفداران فوتبال ملتهای دیگر رایج شدند. بسیاری از آشوب‌گران تمایل دارند نامهای انگلیسی برای خود انتخاب کنند و در شعارها، آوازا و سرودهای خود از زبانهای آمیخته به انگلیسی استفاده کنند (مارش، ۲۰۰۰: ۴).

1. Leaven
2. british disease

چارچوب و مفروضات نظری

فوتبال ذاتاً مولد خشونت نیست، اما به واسطه همراهی با فرایندهای زندگی مدرن مانند شهری شدن، فردگرایی، سودانگاری و رسانه‌ای شدن، فرصتهایی را برای بروز خشونت فراهم می‌آورد. امروزه با رسانه‌ای شدن فوتبال، این ورزش، فراتر از مرزهای اجتماعی و فرهنگی، در حیات اجتماعی انسانها وارد شده است. از این رو نتایج آن تنها معطوف به داخل ورزشگاه نیست، بلکه پیامدهایی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در خارج از استادیوم و در گستره اجتماع دارد.

هیجان با ورزش فوتبال همراه است. اگر به این هیجان که مؤلفه‌هایی روان‌شناختی است مؤلفه‌های اجتماعی مانند هویت، ساخت گروهها، منافع گروهی، اقتصاد، معیشت و خواسته‌های سیاسی نیز افزوده شود، راهی برای ورود به رفتارهای خشن در این عرصه باز می‌شود. نگاهی گذرا به خشونت در فوتبال کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد که فوتبال و رفتارهای ایجاد شده در بستر آن، تابعی از رشد ورزش، صنعتی شدن و ویژگیهای اجتماعی دیگر در جوامع است. کشورهایی با رشد احساس آزادی و فردگرایی بالاتر، بیشتر از سایر کشورها با مشکل خشونت در فوتبال مواجه بوده‌اند؛ برای مثال در اروپا یکی از متغیرهای مهم مرتبط با فوتبال، نژادپرستی است که این امر در کشورهای آسیایی و افریقایی تقریباً بی‌فروغ بوده است.

بدون تردید عوامل متعددی بر بروز خشونت در رفتار تماشاگران فوتبال مؤثر است. دال لاگو^۱ سه عامل اصلی محرک رفتارهای خاص تماشاگران را به قرار زیر بیان می‌کند:

۱. فوتبال به طرفدارانش اجازه می‌دهد تا عمیق‌ترین احساسات خود را نسبت به بعضی سمبولها و قراردادهای زبانی نشان دهند. همین امر زمینه‌ای برای ایجاد گروه‌بندیهای اجتماعی از جمله تقسیم طرفداران به گروههای دوست و دشمن می‌شود.

۲. فوتبال، بازی و دیداری ساده بین دو تیم نیست، از نظر طرفداران، مسابقه فوتبال به منزله فرصتی برای یک نبرد مجازی و تشریفاتی بین دوست و دشمن است. این رسم و تشریفات می‌تواند در موقعیتهای خاص به زد و خورد های فیزیکی بینجامد.

۳. استادیوم مکانی برای بازی است نه محلی برای حضور افراد؛ اما از دیدگاه طرفداران بازی، میدان مسابقه، میدانی سمبولیک برای نبرد بین دو گروه دوست و دشمن است.^۲

۱. لاگو، محقق ایتالیایی است که مطالعات مختلفی راجع به رفتار تماشاگران ایتالیایی انجام داده است.

۲. (Dal lago 1994: 90-92).

جامعه‌شناسان، برای پدیده خشونت تماشاگران فوتبال آثار مثبتی از جمله تخلیه روانی افراد قائل‌اند. فوتبال سبب کنترل و هدایت نیروها و فشارهایی می‌شود که ممکن است منجر به ایجاد بحران در یک نظام اجتماعی شود. گاهی کنترل‌های قوی اجتماعی سبب بسته شدن راههای بروز هیجان افراد به ویژه جوانان می‌شود.

در مطالعات مربوط به بررسی عوامل مؤثر بر خشونت تماشاگران فوتبال (در سطح جهانی) به عواملی نظیر «طبقه اجتماعی» (کلارک، ۱۹۷۸؛ تایلر، ۱۹۸۲)، «کسب هویت و موفقیت‌های ظاهری در مقابل رقبا» (مارش، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۹)، «الکلیسم در ارتباط با طبقه» (ویلیامز و همکاران، ۱۳۷۹)، «عقد گشاییها و ابراز تنفر نسبت به رقبا و تیمهای دیگر» (روورسی، ۱۹۹۱)، «عقاید سیاسی» (هان، ۱۹۷۸) و ... اشاره می‌کنند. مطالعاتی که در برخی از کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان درباره پدیده خشونت در فوتبال انجام گرفته است، بر نقش طبقه کارگر در بروز این امر تأکید می‌کنند. در این خصوص، جان کلارک نشان داده است که «آشوب‌گری فوتبال واکنش بخشی از جوانان بیگانه شده^۱ اجتماعات طبقه کارگر در برابر فوتبال تجاری شده و همچنین افزایش کالایی شدن^۲ فوتبال به عنوان عامل سرگرمی است». به نظر او، در نتیجه فروپاشی اجتماعات جوانان طبقه کارگر، توجه آنها به مسابقات فوتبال از کنترل بزرگترها و آشنایانی که آنها را زیر نظر می‌گیرند خارج شده است (دانینگ و دیگران، ۱۹۸۸). ایان تایلر^۳ نیز در مطالعه خود، نقش اعضاء طبقه کارگر را در بروز پدیده آشوب‌گری فوتبال مهم قلمداد کرده است (تایلر، ۱۹۸۲).

واقعیت این است که فضا و جو حاکم بر ورزش فوتبال تا حد زیادی، خشونت عاطفی و نظری را در افراد تقویت می‌کند. ترکیب آن با متغیرها و عوامل اثرگذار بیرونی سبب شکل‌گیری رفتارها و نگرشهای خشونت‌آمیز و حتی مخرب می‌گردد (خشونت عملی). یکی از عوامل بیرونی اثرگذار بر خشونت، سطح سازمان یافتگی یا خودجوشی گروههای خشن است؛ داک و کوالی^۴ (۱۹۹۶) در مورد خشونت‌گرایی تماشاگران فوتبال در آرژانتین تحقیق کردند، و این پدیده را به صورت مدلی تطبیقی در نظر گرفتند. مدل مذکور بدین شکل است:

1. alienated
2. packaging
3. I. Taylor
4. Duke & Crolly

شکل یا ماهیت خشونت:

انواع سازمان‌دهی

سازمان‌یافته آنی با خود به خودی

		تماشاگران، بازیگران و دست‌اندرکاران باشگاه: ←
		خشونت تماشاگر با تماشاگر: ←
		خشونت تماشاگر با پلیس: ←

مدل ۱ ماهیت خشونت و گونه‌های سازمان‌دهی آن

بنابر نظر پژوهشگران ذکر شده، شکل نخست سازمان‌دهی، قصدمندی عمل و گروه‌گرایی آگاهانه در عرصه فوتبال و خشونت را نشان می‌دهد. در مقابل، مدل ۱ به رفتار جمعی فارغ از نیت قبلی و کنترل سازمان یافته بر می‌گردد. معمولاً شکل غالب آشوب‌گری فوتبال مدرن در میان تماشاگران مختلف سازمان نیافتگی آن است؛ البته این تقسیم‌بندی مانع از ترکیب این دو نوع دسته‌بندی با یکدیگر نیست و نمی‌توان آنها را از نظر تاریخی مجزا کرد (دیوک و کرولی، ۱۹۹۶: ۵۸-۵۹).

مجموعه عوامل بالا، به فضا و شرایط تحقیقات هریک از این اندیشمندان باز می‌گردند و شاید برخی از آنها در ایران عامل اثرگذار نباشند. در میان پژوهشها و دیدگاههای موجود، رویکرد پیتر مارش واجد نکات جامعه‌شناختی بااهمیت و خاصی است. وی مدعی است که از عوامل مهم در شکل‌گیری خشونت در فوتبال هویت‌پذیری^۱ است (مارش، ۱۹۷۷، ۱۹۸۹، ۲۰۰۰). برای بسیاری از مردم، نمودار شدن ورزش تجاری به عنوان ابزاری برای ایجاد معانی اجتماعی^۲ و هویت جدید تلقی می‌شود. تا پیش از به وجود آمدن شهرهای مدرن و از بین رفتن شکل‌های سنتی زندگی اجتماعی، افراد هویت خود را از طریق عواملی چون خانواده، خویشان و قبیله کسب می‌کردند، اما با ورود جوامع به دوران مدرن و زوال شکل‌های سنتی اجتماع، منابع جدیدی از هویت‌پذیری ظاهر شدند که شامل شکل‌های جدیدی از زندگی فرقه‌ای، مذهبی، گروه‌های فکری و گروه‌های ورزشی می‌شود؛ برای مثال این هویت‌پذیری جدید با یک تیم ورزشی خصوصاً فوتبال، ممکن است به عنوان جبرانی برای فقدان حمایت‌های اجتماعی در زندگی شهرنشینی عمل کند؛ لذا می‌توان گفت تماشاگران و طرفداران هر تیم فوتبال، هویت خود را در قالب

1. identification
2. social meanings

آن تیم متجلی می‌کنند. اعمالی را که انجام می‌دهند مانند: پوشیدن لباس تیم و جمع‌آوری عکسهای بازیکنان تیم، بیانگر این امر است.

به نظر ما با در نظر گرفتن مجموعه دیدگاههای فوق‌الذکر، برای تحلیل وضعیت رفتار تماشاگران فوتبال باید بر سه عامل: شرایط خرده فرهنگی تماشاگران، ساختار گروهی تماشاگران (وضعیت رفتار جمعی) و متغیرهای وضعیتی تأکید کرد. در زیر راجع به هر یک بحث می‌کنیم.

الف) شرایط خرده فرهنگی تماشاگران

تماشاچیان فوتبال عمدتاً جوان (همچنین نوجوان) و مرد هستند. این دو ویژگی فیزیکی، تعیین‌کننده برخی رفتارهای خاص مانند احساسی بودن، هیجان‌طلبی، نمایشی بودن عمل، پرخاشگری و غیره از سوی آنها است.^۱ جوانان اغلب تلاش می‌کنند با نمایش و تکیه بر نیروی مردانگی^۲، بلوغ جسمی و فیزیکی خود را به اثبات رسانند. این امر کوششی برای کسب اعتبار، حیثیت و هویت به‌خصوص در جمع دوستان است. جوانان به اقتضای شرایط سنی و روحی خویش به دنبال کسب هویت اجتماعی هستند. آنها برای تعریف خود، رشته‌ای از معانی و رفتارها را که در محیط یا موقعیت اجتماعی وجود دارد به کار می‌برند. شکل‌گیری هویت، به زمینه‌سازها در نهادهای جامعه‌پذیر اعم از خانواده، مدرسه و رسانه‌های گروهی بستگی دارد. اگر این جامعه‌پذیری به شکل ناقص صورت پذیرد یا نهادهای جامعه‌پذیر کننده، فشار و کنترل بیش از حدی بر وی وارد کنند، ممکن است جوان به خرده فرهنگهایی روی آورد که در مواردی، در تعارض با فرهنگ کلی است. بنابراین با توجه به ویژگیهای دوره جوانی، ما می‌توانیم از خرده فرهنگ جوانان صحبت کنیم که برخی از خصوصیات عام آن عبارتند از:

۱. تفاوت با نسل گذشته: نوع نگرش و سلیقه‌های جوانان به علت کسب تجربه‌های جدید عمدتاً با نسل گذشته متفاوت است و آنها در سایه نهادها و عوامل جدید اجتماعی شدن، از زاویه‌های دیگر به مسائل و پدیده‌ها می‌نگرند.

۱. توجه به این ابعاد خاص و بعد پرخاشگرانه رفتار در مطالعات محمد مهدی رحمتی (۱۳۸۲) به‌خوبی دیده می‌شود و خوانندگان می‌توانند در تحقیقات ایشان این موضوع را دنبال کنند؛ البته من در جستجوی عوامل خشونت‌گرایی تماشاگران در دیدگاههای مربوط به ناکامی - پرخاشگری، آنچنان که در نوشته‌های ایشان دیده می‌شود، نوعی تقلیل رفتار اجتماعی به رفتار روانی را استنباط می‌کنم. به همین دلیل تلاش می‌کنم عمل پرخاشگری را در یک خرده گروه و خرده فرهنگ جستجو کنم.

2. masculinity

۲. هیجان‌جویی و تنوع‌طلبی: جوانان به علت برخورداری از نیروی جسمانی و حتی روانی بسیار، آمادگی انجام کارهای بعضاً خطرناک را دارند. آنها برای برآورده کردن حس هیجان‌جویی خودشان و جلب توجه دیگران، به اعمالی گوناگون و متنوع که گاه همراه با خشونت است، اقدام می‌کنند. برخی از تغییرات مکرر که در ظاهر و پوشش جوانان دیده می‌شود از همین خصیصه سرچشمه می‌گیرد.

۳. نفی و انکار دیگران و استقلال: جوان به منظور کسب استقلال فردی تلاش می‌کند با نفی دیگران و نفی وابستگی به آنها، استقلال و خوداتکایی خویش را به اثبات برساند. در مواقعی که این گونه‌های رفتاری خرده فرهنگ مورد بحث، شتابزده و سریع توسط فرهنگ کلی انکار شود، ممکن است اعضای آن قادر به هم‌نوایی با فرهنگ کلی نباشند و به صورت ضد فرهنگ^۱ عمل کنند یعنی، راههای مختلفی از جمله بزهکاری، هنجارشکنی و خشونت را در پیش می‌گیرند. از آنجا که هر نظام اجتماعی از طریق مکانیسمهای کنترل اجتماعی، آزادیهای نابهنجار، خشونت‌ها و بی‌نظمیها را کنترل می‌کند، مکانی چون استادیوم فوتبال، فرصتی مناسب و فارغ از کنترل برای اظهار و ابراز این نوع آزادیها و خشونت‌ها خواهد بود.

۴. کنشهای خاص خرده فرهنگی: رفتار خشونت‌آمیز تماشاگران فوتبال را با اتکا بر نظر آلبرت کهن^۲، می‌توانیم واجد سه خصلت دیگر به قرار زیر بدانیم:

1. counter-culture

۲. آلبرت کهن (۱۹۶۶، Cohen) با طرح نظریه خرده فرهنگ بزهکار (delinquent sub-culture) بین بزهکاریهای جوانان و رفتار انحرافی بزرگسالان تفاوت قائل می‌شود و کار خود را بر چگونگی پیدایش خرده فرهنگهای بزهکار متمرکز می‌کند. به نظر وی خرده فرهنگ بزهکار پاسخ دسته جمعی افرادی است که موفق به هم‌نوایی با ساخت اجتماعی نشده‌اند و خرده فرهنگ بزهکار را به عنوان راه‌حل کسب منزلت و حرمت شخصی انتخاب می‌کنند. به اعتقاد کهن خرده فرهنگ بزهکاری جوانان دارای چندین ویژگی است که عبارتند از:

- غیر سودجویانه بودن (non-utilitarian). جوانان معمولاً به دلیل سود بردن و منفعت‌طلبی به بزهکاری روی نمی‌آورند، بلکه این امر بیشتر ناشی از کسب شهرت در بین گروه خود است.

- کینه‌توزانه بودن (malicious). آنها به دلیل اقتضائات دوران جوانی از اینکه راحتی و آرامش دیگران را مشوش کنند لذت می‌برند و از زیر پا گذاشتن هنجارها و ارزشها به رضایت خاطر می‌رسند. هنگامی که جوانان در گروههای این چنینی قرار می‌گیرند به اعمال بزهکارانه همراه با خشونت اقدام می‌کنند.

- لذت‌گرایی کوتاه‌مدت (short-run hedonism). جوانان در خرده فرهنگ بزهکار میل بسیار کمی به اهداف بلندمدت دارند و به فعالیتهای که از نوع برنامه‌ریزی است کمتر علاقه‌مند هستند. در واقع فعالیتهای بزهکارانه آنها فی‌البداهه و بدون برنامه‌ریزی ذهنی است.

- غیرسودجویانه بودن عمل؛ یعنی بسیاری از این افراد به منظور سود و منفعت مادی به خشونت دست نمی‌زنند، بلکه بیشتر جهت ارضاء حس شهرت‌طلبی میان دوستان، به این عمل روی می‌آورند.
 - عقده‌گشایی در عمل؛ برخی اعتراضات و عقده‌های شکل‌گرفته در فرد در اثر تجربه ارتباط با نهادها یا گروه‌های اجتماعی گذشته و حاضر، خود را در فضای فوتبال متجلی می‌کنند. این کینه‌توزی با توجه به روحیه و پتانسیل دوران جوانی، در فضاهای ورزش و فوتبال بیشتر ظاهر می‌شود.
 - لذت‌گرایی کوتاه‌مدت؛ برخی جوانان از اینکه آرامش دیگران را به هم می‌زنند، لذت می‌برند. این افراد از خشونت به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف بلندمدت استفاده نمی‌کنند، بلکه به طور آبی و بدون برنامه‌ریزی ذهنی اقدام به خشونت می‌کنند. فوتبال بهترین فضا برای لذت‌گرایی کوتاه‌مدت است.

ب) ساختار گروهی تماشاگران (رفتار جمعی)

رفتار اجتماعی تماشاگران فوتبال در فضایی به نام «جماعت»^۱ صورت می‌گیرد. با بررسی مفاهیم «گروه»، «جماعت» و «انبوهه» می‌توان گفت تماشاگران، گروه یا انبوهه محسوب نمی‌شوند؛ بلکه در زمره جماعتها قرار می‌گیرند.^۲ جماعتها گاهی به صورت نمایی، گاهی با فعالیتهای خشن و گاهی با هدف لذت و هوس‌رانی ظاهر می‌شوند (کوئن، ۱۳۷۷: ۲۵۱-۲۵۳؛ استیوئرت و گلین، ۱۹۸۵: ۳۲۱).
 تماشاگران فوتبال در رده جماعت‌های فعال و غوغاگرا قرار می‌گیرند. این جماعت که با هدف خوش‌گذرانی کنار هم جمع می‌شوند، رفتارها و کنشهایی بیشتر احساسی و هیجانی و گاهی رو به خشونت از خود نشان می‌دهند. غلبه افراد جوان بر جمع تماشاگران این امر را تشدید می‌کند. رفتار هر تماشاگر فوتبال هنگام حضور در استادیوم تحت‌تأثیر رفتار جمع و هیجان جمعی^۳ قرار می‌گیرد، از این رو به اعمالی اقدام می‌کند که هرگز در هنگام تنهایی انجام نمی‌دهد. عامل مهم در جهت‌دهی رفتار

- استقلال گروهی (group independence). این افراد قادر به تحمل فشارهای بیرونی نیستند و رابطه آنها با گروه‌های دیگر خصم‌آلود و جنگجویانه است. اعضای این گروه‌های خرده فرهنگ معمولاً در برابر تلاشهای خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای قانونی و اجتماعی که سعی در منظم کردن زندگی آنها دارند، مقاومت می‌کنند.

1. crowd

۲. جماعتها متشکل از افرادی هستند که به طور اتفاقی و تصادفی گرد هم می‌آیند و به همان سرعتی که تشکیل می‌شوند پراکنده می‌گردند. عنصر اساسی در غالب جماعتها، وجود احساسات و هیجان‌ات جمعی است. اعضای جماعت در مورد آنچه که انجام می‌دهند آگاهی دارند، اما تفسیر آنها از کنششان تحت‌تأثیر عوامل ناخود آگاه واقع می‌شود. (leslie, et al., 1973: 287).

3. collective excitement

تماشاگران، «برانگیختگی» یا «ترغیب» است. آنها تحت تأثیر کنشها و واکنشهای افراد دیگر و در شرایط خاص به آسانی برانگیخته می‌شوند، لذا به اعمال هیجانی که گاه توأم با خشونت است اقدام می‌کنند. یکی از عناصر مهم در جماعت تماشاگران، وجود افراد آوانگارد است. به طوری که این افراد می‌توانند جو استادیوم و هیجانهای تماشاگران را در راستای اهداف خود هدایت کنند.

جماعت تماشاگران فوتبال که به طور اتفاقی و گاهی برای یک هدف آن هم تماشای مسابقه گرد هم می‌آیند، اغلب بدون آشنایی قبلی نسبت به هم در استادیوم جمع شده و بعد از پایان بازی نیز پراکنده می‌شوند. برای شناخت بهتر اعمال خشونت‌آمیز این جماعت لازم است ویژگیهای این جماعت فعال و غوغاگرا را این گونه بر شماریم:

۱. کنش متقابل (تعامل) عاطفی: در این جماعت، عمده واکنشها به محرکهای محیطی، تحت تأثیر پاسخهای دیگران است. با پاسخهای عاطفی دیگران، پاسخ او شدت می‌گیرد. همین تعامل عاطفی موجب نوعی - به تعبیر لوری و رانکین (۱۹۹۲: ۲۲۲) - «بی قراری و ناآرامی» در جماعت تماشاگر می‌شود.

۲. تشدید احساس گمنامی: در جماعت عظیم فوتبال، غالب افراد ناخودآگاه احساس هویت شخصی خود را از دست می‌دهند. آنها خود را جزئی از یک گروه بزرگ‌تر می‌بینند که در آن رفتار شخصی‌شان چشمگیر نیست. پاسخهای عاطفی افراد، بیش از پیش آزادانه و از قید و بند رها می‌شود. در آوازخوانیها و شعارهای گروهی، فرد ممکن است تا موقعی که صدایش در صدای سراینندگان گم می‌شود، نعره‌های بلند بکشد. در این جماعت، پاسخها و رفتارهای فرد با پاسخهای مشابه تعداد زیادی از اشخاص و تماشاچیان مستور می‌شود. این امر او را بر آن می‌دارد که در اعمال خود در قید هنجارهای اجتماعی و حتی شخصی نباشد.

۳. کاهش کنترلها و ممانعتها: ممانعت، قید و بندی است که محیط یا خود فرد بر رفتار ظاهری خویش تحمیل می‌کند. این قید و بندها که بر رفتار فرد وجود دارند به دو علت سست می‌شوند: (۱) تحریک عاطفی. (۲) تضعیف احساس هویت و مسئولیت که به گمنامی می‌انجامد.

۴. تشدید تلقین‌پذیری: تلقین فرایندی است که طی آن فرد مجبور به پاسخ‌دهی به محرک می‌شود بدون آنکه کنترل سنجیده‌ای بر ماهیت پاسخ به عمل آورد. تمایل به پاسخ دادن به محرک بدون ارزیابی شرایط آنکه فرد جوانب امر را بسنجد تلقین‌پذیری را تشدید می‌کند. در جماعت‌های فعال،

فرد معمولاً نسبت به عواقب رفتار خویش با تفکر و تعمق کمتری پاسخ می‌دهد. این امر ناشی از حالتی است که گوستاو لوبن (نقل در اسپنسر، ۱۹۷۴: ۲۹۲) آن را «واگیری یا سرایت^۱» می‌خواند. با تشریح ویژگیهای این جماعت فعال در کنار برخی ویژگیهای طبقاتی، تربیتی، روانی و علاقه‌مندی بالا به تیم خاص و ... می‌توان گفت که در مواردی خاص اقدام به خشونت اجتناب‌ناپذیر می‌شود. احساس گمنامی و حالات روانی افراد که به سرعت برانگیخته می‌شوند از جمله عوامل تشویق به خشونت هستند. این خشونت شامل ابعادی چند است: دعوا بین طرفداران دو تیم یا بازیکنان و حتی داور مسابقه، تخریب اموال - که معمولاً بعد از خروج از استادیوم صورت می‌گیرد - حمله به وسایل نقلیه عمومی و اماکنی که در مسیر بازگشت آنان قرار دارد، و برخورد با پلیس، هنگامی که پلیس بخواهد جلوی اقدامات آنان را بگیرد. در وضعیتی که تماشاگران به شدت هیجانی و برانگیخته هستند با پلیس نیز درگیر می‌شوند و اقدام متقابل پلیس می‌تواند تشدیدکننده امر باشد.

در باب گونه‌های رفتار خشن یا خشونت افراد، می‌توان آنها را به دو سطح دسته‌بندی کرد:

۱. خشونت در سطح نظر (عاطفی): منظور همسوئی فکری و نگرشی با شعارها و رفتار افراد خشن است، هرچند این فکر و شعارها به سطح عمل نمی‌رسد. این نوع خشونت، عاطفی و احساسی است که لذت و رضایت آنی را به دنبال دارد. سر دادن شعار، تشویق و لذت از اعمال خشن مانند پرتاب ترقه و سنگ، مصادیق خشونت در سطح نظر هستند.

۲. خشونت در سطح عمل: منظور از آن ارتکاب اعمال خشن در میدانی ورزشی یا در خیابان است. این نوع خشونت، ابزاری و هدف‌گرا است که از مصادیق آن، درگیری در خشونت‌ها، مبارزه با طرفداران تیم رقیب، حمل چاقو و زنجیر و اشیاء آتش‌زا برای مبارزه با هواداران تیم رقیب. برخی از افراد مشمول این دسته، سابقه دستگیری و بازداشت در مسابقات قبلی را دارند.^۲

ج) عوامل وضعیتی

علاوه بر متغیرهای خرده فرهنگی و گروهی، شماری از عوامل دیگر که آنها را «عوامل وضعیتی» می‌نامیم، بر رفتار تماشاگران تأثیر می‌گذارند. از جمله این عوامل، جو ورزشگاه از لحاظ تعداد تماشاگران (کم یا زیاد بودن) و میزان حساسیت بازی از سویی و نحوه بازی و رفتار بازیکنان در داخل

1. contagion

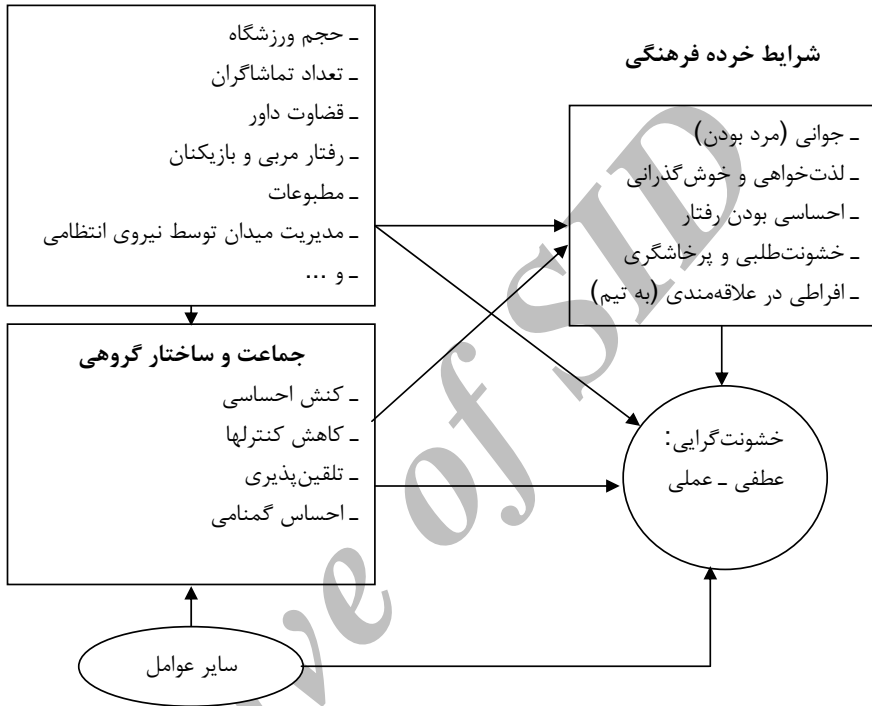
۲. برای آگاهی از ویژگیهای برخی افراد دستگیر شده، ر.ک.: آتشی، ۱۳۸۳.

زمین و قضاوت داور از سوی دیگر است. تعداد زیاد تماشاگران در ورزشگاه عامل مهمی است که می‌تواند زمینه بروز هیجانات و رفتارهای خشونت‌آمیز را فراهم نماید. نحوه و نوع بازی بازیکنان و میزان رفتار آرام یا خشن آنان نیز در جهت‌دهی به رفتار تماشاگران نیز مؤثر است.

عامل مهم دیگر در بروز خشونت تماشاگران، نوع داوری است. تجارب نشان می‌دهد اگر در یک بازی حساس و سرنوشت‌ساز داور به اشتباه به ضرر تیمی رأی دهد، خصوصاً در هنگام گرفتن پنالتی، رفتار احساسی طرفداران تیم افزایش خواهد یافت و برای نشان دادن نارضایتی خود، چون به داور دسترسی ندارند با طرفداران تیم رقیب درگیر خواهند شد. علاوه بر شاخصهای فوق در میان پژوهشهای انجام شده در حوزه خشونت فوتبال در کشورهای خارجی، متغیرهای الکلیسم، نژادپرستی، رفتارها و جهت‌گیریهای سیاسی، طبقه و پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد (طبقه کارگر) و سن به عنوان عوامل اثرگذار بر این موضوع مطرح شده‌اند؛ اما بسیاری از این متغیرها در ایران نمود اندکی دارند یا اصلاً مطرح نمی‌شوند (مانند الکلیسم، نژادپرستی، سیاسی بودن در عرصه فوتبال و یا حتی طبقه کارگر). در زیر رابطه‌های مفروض مؤلفه‌های فوق را به صورت نمودار می‌توان ترسیم کرد.

Archive

عوامل وضعیتی



مدل ۲ روابط مفروض میان متغیرهای تحقیق

روش‌شناسی

این تحقیق با روش پیمایشی [او اسنادی] انجام شده است. جامعه آماری آن، تماشاگران ورزش فوتبال در شهر تهران بوده‌اند. تعداد جمعیت نمونه، ۱۰۲۰ نفر از تماشاگران در مسابقات چندگانه میان تیمهای معروف کشور بوده‌اند. اطلاعات تحقیق با پرسشنامه^۱ توأم با مصاحبه جمع‌آوری شده است. پرسشنامه بعد از انجام آزمون اولیه (pretest)، اصلاح و نهایی‌سازی در ورزشگاههای آزادی و شهید شایرودی تهران در حین انجام مسابقات^۱ تکمیل شده است.

۱. پرسشنامه‌ها در سه مسابقه زیر تکمیل شده‌اند:

- مسابقه استقلال و پیروزی، مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۵.

- مسابقه استقلال تهران و ابومسلم خراسان، مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۷.

- مسابقه تیم ملی و صنعت نفت، مورخ ... ۱۳۸۰/۲/۱۰.

از آنجا که در فضای ورزشگاه، تعداد تماشاگران به دلایل متعدد همواره در نوسان هستند (مشخص نیست)، لذا از شیوه‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شد. تعیین واحدهای نمونه، به طریق نمونه‌گیری هدفمند^۱ با رعایت نسبی شرایط سنی تماشاگران، مکان نشستن در ورزشگاه، بودن در حلقه دوستان هم‌شکل و مدافع صورت گرفته است.

داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه آماری، با انجام فرایندهای آماری لازم، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مفروضات تحقیق با استفاده از آزمونهای چندگانه معناداری مورد سنجش قرار گرفتند. مفاهیم و مقیاسهای اساسی تحقیق شامل مفهوم خشونت‌گرایی در دو سطح نظر و عمل به منزله متغیر وابسته و سایر متغیرهای دیگر در نقش عوامل تأثیرگذار و مستقل بوده‌اند که هر یک با ضریب پایایی قابل قبول عبارتند از: (۱) خشونت‌گرایی عاطفی ($\text{Alfa} = 0/830$)، (۲) خشونت عملی ($0/739$)، (۳) تیم‌گرایی ($\text{Alfa} = 0/83$)، (۴) احساسی بودن رفتار ($\text{Alfa} = 0/82$)، (۵) جماعت بودن اجتماع تماشاگران ($\text{Alfa} = 0/66$)، (۶) کینه‌توزی و عقده‌گشایی ($\text{Alfa} = 0/714$)، (۷) ارزیابی نقش داور بر خشونت ($\text{Alfa} = 0/61$)، (۸) ضرورت وجود نیروی انتظامی در ورزشگاه ($\text{Alfa} = 0/66$)، (۹) ارزیابی تیم‌گرایی در میان نیروی انتظامی ($\text{Alfa} = 0/73$)، (۱۰) ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی در ورزشگاه ($\text{Alfa} = 0/71$)، (۱۱) احساس ناکامی در رسیدن به اهداف تیمی ($\text{Alfa} = 0/74$).

با توجه به مفاهیم و متغیرهای تحقیق، مفروضه‌های بنیادین تحقیق براساس تصور وجود ارتباط بین متغیرهای مستقل مطرح‌شده با متغیر وابسته تحقیق، تعبیه شده‌اند. در کنار مقیاسهای فوق به عنوان شاخص مستقل تحقیق، متغیرهای دیگری نظیر سن، سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تأثیرپذیری از مطبوعات، تأثیر رفتار بازیکنان و مربی بر خشونت تماشاگران و... در نقش عوامل اثرگذار در آزمونهای ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته وارد شده‌اند.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

۱. **سیمای جمعیت نمونه:** در اینجا به طور خلاصه به بررسی نتایج آماری مربوط به داده‌های جمع‌آوری شده راجع به متغیرها و مقیاسهای اساسی تحقیق می‌پردازیم.

- سن: نزدیک به نیمی از پاسخگویان تحقیق (۴۲/۳)، بین سنین ۲۰ تا ۲۹ سال هستند. اکثریت نمونه آماری را افرادی تشکیل داده‌اند که سن آنها کمتر از ۳۰ سال است. میانگین سن پاسخگویان ۲۱ سال است که حاکی از جوانی و کم‌سن بودن نمونه آماری است.

1. purposive sampling

- سطح تحصیلات: نزدیک به نیمی از نمونه آماری (۴۴/۷) سطح تحصیلات خود را دیپلم بیان کرده‌اند. میانگین تحصیلات پاسخگویان دوره متوسطه - سال دوم دبیرستان - بوده است. بیش از نیمی از پاسخگویان، سطح تحصیلات پدران خود را زیر دیپلم بیان کرده‌اند، که در این زمینه، پدران باسواد ابتدایی، بالاترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سطح تحصیلات پدران پاسخگویان سیکل و میانگین سطح سواد مادران پاسخگو دوم راهنمایی است.

- شغل والدین: شغل پدران درصد زیادی از نمونه، کارمندی بوده است. پس از آن، بازاریان با ۱۹/۴ درصد رقم بالایی داشته‌اند. بیش از دو سوم پاسخگویان یعنی ۷۹/۲ درصد (معادل ۸۰۴ نفر) اظهار کرده‌اند شغل مادرانشان خانه‌دار است.

- درآمد ماهانه خانوار: از میان پاسخگویان بیشترین فراوانی را گروهی داشته‌اند که درآمد آنها زیر ۱۰۰ هزار تومان بوده است (۵۱ درصد). در این نمونه تنها ۲۰ درصد نمونه را می‌توان با درآمد «۱۵۰ هزار تومان و بالاتر» به عنوان خانواده‌هایی با درآمد نسبی بالا در نظر گرفت.

- محل سکونت: ۶۴/۴ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که ساکن شهر تهران هستند و ۳۲/۴ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که شهرستانی هستند. بیشترین درصد پاسخگویان تهرانی ساکن منطقه هفت بوده‌اند و بقیه پاسخگویان به مناطق دیگر شهر تعلق دارند. عمده تماشاگران شهرستانی، در شهرستانهای نزدیک به تهران مانند: قم، ساوه، کرج، ورامین، پاکدشت، گرمسار، قزوین و ... ساکن بوده‌اند.

- میزان مطالعه روزنامه‌های ورزشی: میانگین جدول توزیع فراوانی پاسخها حاکی از استفاده کم و معمولی پاسخگویان مورد مطالعه از روزنامه‌ها و مجلات برای اکتساب اخبار مربوط به فوتبال است. دو روزنامه خبر ورزشی و کیهان ورزشی را حدود نیمی از تماشاگران مطالعه کرده‌اند. اخبار این دو روزنامه بیشتر از سایر روزنامه‌ها مورد استقبال تماشاگران مورد مطالعه بوده است.

- وسیله آمدن به ورزشگاه: در میان پاسخگویان، ۴۱/۶ درصد اظهار کرده‌اند که برای رفتن به ورزشگاه از وسیله نقلیه اتوبوس استفاده می‌کنند؛ و بقیه پاسخگویان اظهار کرده‌اند که از وسایلی مانند مینی‌بوس، ماشین شخصی، دوچرخه، موتور و غیره برای رفتن به استادیوم استفاده می‌کنند.

- سابقه بیماری روانی و دستگیری در آشوبها: نزدیک به ۸۹/۳ درصد (۹۰۷ نفر) عنوان کرده‌اند که از هرگونه بیماری روانی مبرا بوده‌اند. حدود ۷ درصد اظهار کرده‌اند، سابقه بیماری روانی داشته‌اند. حدود یک چهارم پاسخگویان عنوان کرده‌اند که در آشوبها مربوط به خشونت تماشاگران دستگیر شده‌اند.

- تیم مورد علاقه: تقریباً ۹۵ درصد پاسخگویان به دو تیم معروف فوتبال کشور، استقلال و پیروزی، اظهار علاقه‌مندی کرده‌اند، و درصد اندکی به ذکر تیمهای مورد علاقه خود نظیر پاس، ابومسلم، فجر سپاسی پرداخته‌اند.

- عملکرد نیروی انتظامی در ایجاد مشکلات ورزشگاه: نزدیک به نیمی از جامعه نمونه، نیروی انتظامی را به عنوان عاملی مرتبط و حتی مؤثر در بروز مشکلات، آشوبها و درگیریهای در ورزشگاه ذکر کرده‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که نیروی انتظامی در امر پرتاب ترقه و نارنجک مقصر است. ایشان، افزایش کمی و کیفی پرسنل نیروی انتظامی و افزایش آگاهی تماشاگران و بازیکنان را بهترین راه کنترل خشونت دانسته‌اند.

- مقیاس خشونت‌گرایی: (کلی، عاطفی، ابزاری) بیش از نیمی از پاسخگویان گرایش اندکی به رفتارهای خشن و درگیری داشته و یک سوم افراد به خشونت تمایل داشته‌اند. گرایش کم و بیش نیمی از پاسخگویان یعنی ۵۳/۸ درصد به انجام اعمال خشن، پایین و ضعیف بوده است. گرایش ۲۰ درصد به خشونت بالا بوده است. ۷۲ درصد افراد به طور کم در خشونت‌ها و درگیریها دخالت داشته‌اند. ۸ درصد دیگر پاسخگویان به طور مکرر و فراوان در خشونت‌ها حضور داشته‌اند.

- مقیاس کینه‌توزی و احساسی بودن رفتار: حدود نیمی از پاسخگویان، دارای رفتارهای احساسی در ورزشگاه به حساب آمده‌اند. ایشان از سطح کینه‌توزی بالایی برخوردار بوده‌اند. اکثر پاسخگویان، محیط ورزشگاه و تماشاگران را با ویژگیهایی نظیر گمنامی، بی‌هویتی، ازدحام، سازمان نیافتگی، عاطفه‌گرایی و تلقین‌پذیری همراه دیده‌اند.

- مقیاس ارزیابی سطح تیم‌گرایی نیروی انتظامی: بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۲ درصد) از عملکرد نیروی انتظامی رضایت داشته و آن را خوب ارزیابی کرده‌اند. این گروه افراد، تعصب تیمی نیروی انتظامی را اندک ذکر کرده‌اند. سایرین با اعتقاد به وجود نشانه‌هایی از تیم‌گرایی در نیروی انتظامی این گرایش را متوسط و زیاد مطرح کرده‌اند. تقریباً دو سوم پاسخگویان بر ضرورت حضور نیروی انتظامی در ورزشگاه تأکید اساسی داشته‌اند. بدیهی است از منظر این دسته افراد، وجود نیروی انتظامی، ضامن نظم و مانع از آشوب و تخریب‌گری تماشاگران در ورزشگاه و خیابان خواهد بود.

- مقیاس تأثیر عوامل وضعیت بر خشونت: ۶۷ درصد از جمعیت نمونه، تأثیر دارو را بر خشونت بیشتر از عواملی مانند رفتار بازیکنان و زمان بازی و غیره دانسته‌اند.

۲. **میزان استقبال و ترکیب اجتماعی تماشاگران:** در حال حاضر، ورزشگاه آزادی که بزرگ‌ترین ورزشگاه کشور و محل برگزاری مسابقات حساس داخلی و ملی است، با ظرفیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر، از جمله عوامل افزایش اقبال افراد به تماشای مسابقه‌های حساس در درون ورزشگاه است. در سالهای اخیر به دلیل افزایش تب فوتبال در جهان و ایران، در مسابقه‌های مهم داخلی و خارجی، این ورزشگاه کم و بیش مملو از جمعیتی می‌شود که ویژگیهای غالب آنها به قرار زیر است:

- در میان تماشاگران ایرانی حاضر در ورزشگاه، افراد مربوط به گروههای سنی مختلف دیده می‌شود؛ اما نکته آشکار این است که همیشه در میان این جماعت انبوه، میانگین سن تقریباً از ۲۵ سال بالاتر نمی‌رود. در این تحقیق، میانگین پاسخگویان ۲۱ سال بوده است که حاکی از نوجوانی و جوانی جمعیت حاضر در ورزشگاه است.

- در میان تماشاگران حاضر در ورزشگاه، افراد مختلف با سطوح تحصیلی مختلف دیده می‌شود. از آنجا که سنین غالب افراد حاضر در ورزشگاه، پایین است، لذا نباید انتظار داشت که سطح تحصیلی در این جامعه بالا باشد. میانگین سطح تحصیلات جامعه نمونه این تحقیق کمتر از دیپلم (دوم دبیرستان) است.

- در میان تماشاگران، افراد با لباسها، رنگها، پرچمها، تصاویر و نوشته‌های مختلف دیده می‌شود. در میان پرچمها و رنگها دو رنگ قرمز و آبی، نماد تیم‌گرایی و تفکیک فضایی در ورزشگاه است. همین رنگها، شعارهای تیم‌گرایانه، نوشته‌های سویافته، تصاویر معنادار قابل فهم برای تیمها و تماشاگران را هدایت می‌کند. در این تحقیق ۳۳ درصد تماشاگران، تعصب تیمی بالایی داشته‌اند. در مقابل ۲۲ درصد چندان تمایل و اشتیاقی به تیمهای ورزشی خاص نداشته‌اند.

- برخی از افراد حاضر در ورزشگاه در مشاغل مختلف فعالیت می‌کنند. تماشاگران مورد مطالعه، افرادی متعلق به طبقات مختلف پایین (۴۲ درصد)، متوسط (۲۶ درصد) و بالای (۱۴ درصد) جامعه بوده‌اند. این افراد با خودروهای مختلف شخصی و عمومی وارد ورزشگاه می‌شوند. غالب این افراد که از طبقه پایین و متوسط جامعه هستند به دلیل برخورداری از سن و تحصیلات پایین، در کنار سایر دوستان با ماشینهای عمومی اعم از اتوبوس و مینی‌بوس به ورزشگاه می‌آیند.

- درصد قابل توجهی از تماشاگران ورزشگاهها از شهرستانهای مختلف استانه‌های دیگر کشور هستند. این تماشاگران علاقه‌مند، از استانه‌های مرزی و مرکزی کشور با تحمل سختی و مشقت سفر، در روز مسابقه تیمهای مورد علاقه خود در ورزشگاه حاضر می‌شوند. در این مطالعه، نزدیک به ۳۵ درصد پاسخگویان، ساکن در شهرستانهای نزدیک به تهران، شهرستانهای استانه‌های مرزی و دور از تهران بوده‌اند.

- عمده تماشاگران حاضر در ورزشگاهها (۷۲/۷ درصد) جوانان مجرد بوده‌اند. در میان این گروه کثیر مجرد، درصد نسبتاً کمتری نیز تماشاگر متأهل وجود دارد.

۳.۳. اصوات میدان و زبان تماشاگران: فضای تماشاگران جوان احساسی و با تحصیلات کم، مملو از شعارها و استفاده از الفاظ موزون، مضحک، رکیک و ناسزا و رجزخوانی است. از لحظات آغازین ورود تماشاگران در ورزشگاه گوش افراد، شنوای اصوات مختلف در ورزشگاه است:

الف) اصوات غیرکلامی: صدای ترقه، نارنجک صوتی، بوق، شیپور، طبل، دف، سوت، پایکویی، جیغ، و... از ابتدا تا پایان بازی و حتی تا زمان تفرق تماشاگران به گوش می‌رسد.

ب) اصوات کلامی: اصوات کلامی فضای تماشاگران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- صداها و کلمات کوتاه و معنادار نظیر هورا کشیدن، هو کردن، نام تیم مورد علاقه، [پیروزی، استقلال] یا تیمهای در میدان بازی ... کلمات رکیک، فحش و...

- صداها و کلمات چندگانه موزون که همان شعارهای افراد است. شعارها به دو گونه ارائه می‌شوند: برخی شعارها که فقط نشان از تیم‌گرایی و طرفداری از یک بازیکن محبوب دارند. این‌گونه شعارها، محترمانه و شورانگیز هستند. نظیر آن «استقلال پیروز است»، «برتری این میدان، پرسپولیس قهرمان» «نان و پنیر و پونه پیروزی مال مونه» و... برخی شعارهای دیگر که از تیم‌گرایی افراطی سرچشمه می‌گیرند و در آن کلماتی رکیک، ناسزا و گاه مضحک، نثار تیم رقیب می‌شود. نظیر این شعارها در ورزشگاه، ناسزاگویی به بازیکنان و مربیان و داور است: «... اسکناس نسب»، «پرسپولیس/ استقلال ...»، «... سر طلایی، سرور لونگیایی»، «... .. حرام‌زاده»، «... دنبه»، «شیر سماور، آگروز خاور... داور»، و سایر شعارهای موزون رکیک که در همین قالب ارائه می‌شوند. لازم به توضیح است که طرف حساب برخی شعارهای تماشاگران، مسئولان تربیت بدنی و گاهی نیروهای انتظام بخش در ورزشگاه نیز هستند.

۴. **گونه‌ها و ماهیت خشونت تماشاگران:** رفتار و اعمال خشن تماشاگران، گونه‌ها و اقسام مختلفی دارد که می‌توان به مهم‌ترین آنها اشاره کرد (در این تحقیق، ۳۰ درصد پاسخگویان خشونت‌گرا به حساب آمده‌اند، از این گروه، کمتر از ۱۰ درصد در رفتارهای فیزیکی خشن با تماشاگران، نیروی انتظامی و غیره مشارکت داشته‌اند):

- زد و خورد با تماشاگران و هواداران تیم رقیب: از این شکل خشونت‌گرایی، گزارشهای مطبوعاتی فراوان در دست است، اما این نوع درگیریها به تعدادی از تماشاگران محدود می‌شود و در سطح وسیع آن در ایران وجود نداشته‌اند. نمونه درگیری جمعی تماشاگران، در مسابقه میان دو تیم فجر سپاسی شیراز و استقلال تهران در آبان ۱۳۷۸ در ورزشگاه حافظیه شیراز در پایان بازی، تماشاگران خشمگین از بی‌نتیجه و ناتمام ماندن بازی، بیش از یک ساعت با یکدیگر به نزاع پرداختند که در این حادثه افراد زیادی زخمی شدند.

- حمله به داور و بازیکنان: در برخی بازیها به سوی داوران و بازیکنان سنگ و ترقه پرتاب می‌شود. نمونه آن مسابقه بین تیمهای استقلال تهران و ابومسلم خراسان در اردیبهشت ۱۳۸۱ بوده است که یکی از بازیکنان استقلال به دلیل اصابت سنگ به او نقش زمین شد. همچنین در یکی از دیدارهای تیمهای فجر سپاسی و استقلال تهران در شیراز، داور از سوی تماشاگران مورد اصابت سنگ واقع شد.

- تخریب اماکن و اموال: پرخاشگری هواداران فوتبال در ایران نیز مانند برخی از کشورها به خسارت انسانی می‌انجامد، بلکه بیشتر اماکن و اساساً اموال عمومی در ورزشگاهها و خیابانها و اموال باشگاهها

هستند که از آسیب در امان نیستند. این نوع تخریبها دلایل مختلفی دارد، اما غالباً زمانی رخ می‌دهند که یا بازی به دلیلی لغو می‌شود، ناتمام می‌ماند و یا انتظار تماشاگر را برآورده نمی‌کند. در ایران شکل اصلی تخریب محیط، تخریب اموال عمومی خاصه آسیب‌رسانی به ماشینهای شرکت واحد است. کم و بیش در اکثر مسابقات این‌گونه تخریب‌گری قابل مشاهده است. در برخی مسابقات حساس، این شکل تخریب افزایش می‌یابد (برای نمونه در روز مسابقه میان دو تیم استقلال و پیروزی تهران در ورزشگاه آزادی [۷۸/۱/۲۰] ۱۳۱ دستگاه اتوبوس شرکت واحد دچار آسیب جدی شدند. تخریب صندلیها، خرد کردن شیشه‌ها، تخریب وسایل مربوط به سرویسهای بهداشتی از جمله دیگر انواع آسیبها است که از سوی تماشاگران به اموال عمومی در ورزشگاه و بیرون از آن وارد می‌شود.

- *اعتشاش در بیرون ورزشگاه:* در این شکل از خشونت، علاوه بر تماشاگران تیم‌گرا، برخی افراد عادی و غیرتماشاگر فوتبال مورد تعرض قرار گرفته و وسایل شخصی آنها از جمله ماشین و موتور آنها مورد تهاجم گروههای متحد تماشاگر قرار می‌گیرند. تماشاگران هنگام رفتن و بازگشتن از ورزشگاه با ایجاد سر و صداهای بلند آزاربخش، گاهی فحش، دشنام و گفتن الفاظ زشت، مردم حاضر در خیابانها را مطلع و البته اذیت می‌کنند.

در ایران خشونت و درگیریهای مربوط به فوتبال جزئی است و عمدتاً در حوزه استادیومها و یا نزدیکی آنها شکل می‌گیرند. تمامی درگیریها و خشونتها در روزهای مسابقه تیمهای معروف اتفاق افتاده‌اند. معنای این امر این است که در میان تماشاگران و هواداران فوتبال، گروه خشونت‌طلب پرآوازه و معروف خاصی وجود ندارد که در روزهای غیرمسابقه نیز با بهانه‌هایی به ایجاد درگیری و تخریب اموال عمومی و شخصی مردم بپردازند. بهتر است گفته شود که گروه یا گروههای خاصی با سازماندهی ویژه تحت عنوان مدافعان خشن فوتبال در ایران شناسایی نشده‌اند. در میان تماشاگران، مهم‌ترین علامت تیم‌گرایی و تعصب تیمی افراد، رنگ لباس تیم مورد علاقه در قالب آبی و قرمز است.

ب) یافته‌های تبیینی: آزمون روابط مفروض متغیرها

در مبحث آزمون ارتباط میان متغیرها، روابط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (خشونت‌گرایی) تبیین می‌شود. در اینجا به اجمال شکل کلی این روابط مطرح می‌شوند:

- هرچه سن پاسخگویان بالاتر رفته است، از میزان خشونت آنها کاسته شد. افزایش در سطح تحصیلات پاسخگویان نیز با کاهش میزان خشونت آنها همراه بوده است. پاسخگویان با تحصیلات کمتر، خشونت‌گراتر بوده‌اند.

- پاسخگویان مجرد به نسبت متأهلین - که جوان تر نیز بوده‌اند - سطح بیشتری از خشونت را در رفتار خود داشته‌اند. مجردین همچنین به نسبت متأهلین تیم‌گراتر بوده‌اند. قطعاً این تعصب تیمی و افراط در حمایت از یک تیم خاص، منشأ برخی رفتارهای خشن ایشان بوده است.

- بین سکونت در مناطق مختلف تهران و خشونت‌گرایی پاسخگویان ارتباط معنی‌دار وجود نداشته است. در میان پاسخگویان غیرتهرانی، افرادی که شهرستان محل سکونت آنها به تهران نزدیک‌تر بوده است، خشونت‌گراتر بوده‌اند.

- تماشاگرانی که بر الزام وجود تیم‌گرایی در مطبوعات تأکید کرده‌اند، خشونت‌گراتر بودند. به عبارت دیگر، اکثر تماشاگران خشونت‌گرا معتقد بودند که مطبوعات علناً از برخی تیمها طرفداری یا با آنها دشمنی می‌کنند. همچنین پاسخگویان علاقه‌مند به تفاسیر مطبوعات از میدان بازیها، از سایر افراد خشونت‌گراتر بوده‌ند. این امر نشان می‌دهد طرفداری مطبوعات از تیمهای خاص مستقیماً بر گرایش به خشونت در میان خوانندگان آن مطبوعات افزوده است.

- پاسخگویان با گرایش تیمی بالاتر، به ضرورت حضور نیروی انتظامی در ورزشگاه اعتقاد بیشتری داشته‌اند. با افزایش در میزان تیم‌گرایی پاسخگویان، اعتقاد به وجود تیم‌گرایی در نیروی انتظامی نیز بالاتر رفته است. از سوی دیگر هرچه اعتقاد پاسخگویان به وجود تیم‌گرایی در میان نیروی انتظامی بیشتر بوده، خشونت‌گرایی آنها نیز بیشتر شده است. به بیان ساده‌تر به میزانی که ارزیابی پاسخگویان از عملکرد نیروی انتظامی وجه مثبت‌تری پیدا کرده است، از میزان خشونت‌گرایی آنان کاسته شده است.

- اغلب پاسخگویان، خشونت‌گرایی را متأثر از فضای گروهی جمع تماشاچیان، گمنامی و بی‌هویتی افراد در جماعتها دانسته‌اند. در همین زمینه هرچه رفتار پاسخگویان به سمت احساسی شدن سوق پیدا کرده، میزان خشونت‌گرایی آنها نیز افزایش پیدا کرده است.

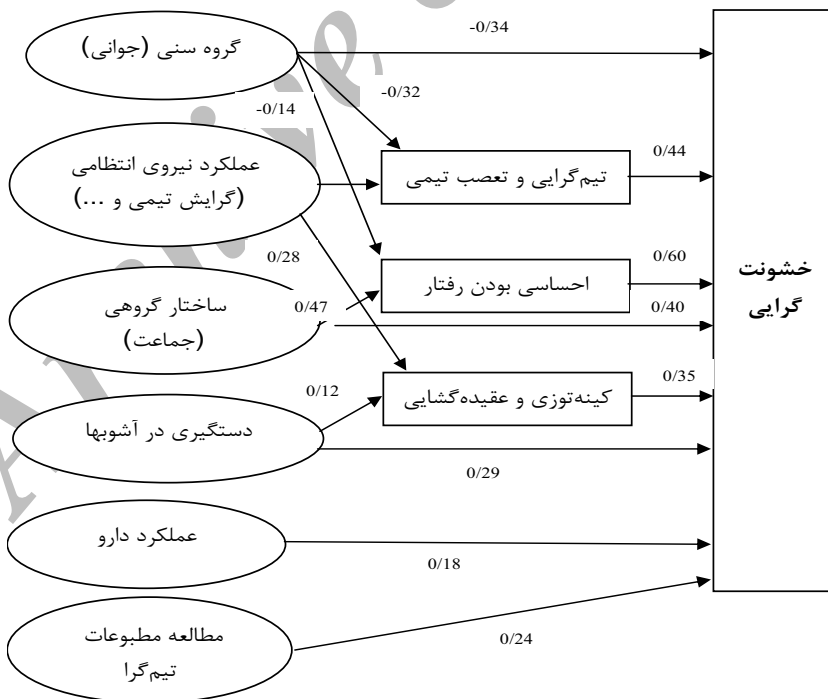
- به موازات افزایش در کینه‌توزی و عنادورزی پاسخگویان، گرایش آنها به خشونت بیشتر شده است.
- هرچه امید پاسخگویان به موفقیت تیم مورد علاقه‌شان بیشتر شده است، میزان خشونت‌گرایی آنان کاهش یافته است.

- هرچه بر تعداد دستگیری پاسخگویان در آشوبهای مربوط به فوتبال افزوده شده است، میزان عقده‌گشایی آنها نیز بیشتر شده است. این گروه پاسخگویان، میزان گرایش و تعصب تیمی نیروی انتظامی را بالا ارزیابی کرده‌اند. بنابراین سطح کینه‌توزی این گروه افراد با باور ایشان به وجود تیم‌گرایی در نیروی انتظامی ارتباط دارد.

مواردی که ذکر شد خلاصه‌ای از نتایج آزمون مفروضات تحقیق بود. حال با توجه به متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته و نیز ارتباط درونی متغیرهای مستقل به تشریح نوع روابط در قالب تحلیل مسیر روابط متغیرها می‌پردازیم. بر این اساس روابط فوق در دو سطح قابل بررسی هستند:

۱. *سطح اول روابط:* در این سطح، ارتباط مستقیم متغیرهای مستقل بدون تأثیر متغیرهای دیگر در ارتباط با متغیر وابسته مشخص شده است. متغیرهایی نظیر سن، تیم‌گرایی، جماعت بودن اجتماع تماشاگران، کینه‌توزی، تأثیر مربی بر خشونت، تیم‌گرایی در مطبوعات، تیم‌گرایی پرسنل نیروی انتظامی، وضع تأهل، تأثیرپذیری از تفاسیر مطبوعات، مطالعه روزنامه‌های پیروزی و استقلال جوان و شهرستانهای محل سکونت پاسخگویان با میزان خشونت‌گرایی آنان ارتباط دارد. در میان این متغیرها، مهم‌ترین متغیرهایی که بیشترین تأثیر را بر خشونت‌گرایی داشته‌اند به ترتیب احساسی بودن رفتار، تیم‌گرایی، جماعت بودن، کینه‌توزی و سن هستند. با توجه به ویژگیهای تماشاگران و فضای حاکم بر کنشهای آنها در ورزشگاه، عوامل مؤثر بر خشونت بیشتر در ارتباط مستقیم با خود تماشاگران و ویژگیهای آنهاست.

۲. *سطح دوم روابط:* در این سطح، روابط درونی متغیرهای مستقل با یکدیگر و نیز تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آنها بر متغیر وابسته ارزیابی شده‌اند. در اینجا سعی بر این بوده است تا ضریب ارتباط و اثر واقعی هریک از متغیرهای مستقل بر خشونت‌گرایی سنجیده شود. نتایج حاصل از تقاطع چندگانه متغیرهای تحقیق در مدل زیر ارائه شده است.



مدل ۳ تحلیل مسیر روابط میان متغیرهای تحقیق

در تحلیل حاصل از مدل نهایی تحقیق، چنین به دست آمده است که متغیرهایی که ویژگیهای خرده فرهنگی پاسخگویان مانند احساسی بودن رفتار، سن، کینه‌توزی، تیم‌گرایی و جماعت بودن را پوشش می‌دهند، نسبت به متغیرهای وضعیتی مانند تأثیر مربی، تفاسیر مطبوعات، مطالعه روزنامه‌های طرفدار یک تیم خاص و غیره، دارای اثرگذاری بیشتری بر خشونت‌گرایی بوده‌اند؛ البته متغیری چون ارزیابی میزان تیم‌گرایی و عملکرد نیروی انتظامی که در شمار متغیرهای وضعیتی تحقیق محسوب می‌شود، به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر نسبتاً بالایی بر خشونت‌گرایی پاسخگویان داشته است. از این حیث، برای پاسخگویان وجود نیروی انتظامی و عملکرد آن در میدان حائز اهمیت است.

از میان عواملی که با ویژگیهای نوعی و خرده فرهنگی پاسخگویان مرتبط هستند، احساسی بودن رفتار بیشترین تأثیر (مستقیم و غیرمستقیم) را بر خشونت‌گرایی داشته است؛ البته تأثیر عوامل دیگری چون تیم‌گرایی، جماعت بودن تماشاگران فوتبال و فضای حاکم بر ورزشگاه، در بروز رفتارهایی از نوع خشونت و تخریب، چندان دور از انتظار نیست.

در اینجا باید گفت که بحث از ترکیب و تلفیق متغیرهای وضعیتی و متغیرهای خرده فرهنگی و گروهی که قبلاً در بخش چارچوب تحلیل تعبیه شده بود، و سپس تأثیر آن بر خشونت‌گرایی بدیهی به نظر می‌رسد. پیوستگی درونی و ارتباط متقابل متغیرهای فوق بیانگر این است که نمی‌توان هریک از متغیرها را به تنهایی در پدیده خشونت فوتبال در نظر گرفت، بلکه باید آنها را به شکل منظومه‌ای از عناصر در نظر گرفت که میان آنها ارتباط متقابل برقرار است.

نتیجه‌گیری

امروزه فوتبال از ورزشی ساده با مقاصد تربیت بدنی فراتر رفته است و به یک صنعت تبدیل شده است. اهمیت روزافزون این ورزش در زندگی انسان باعث شده است که حتی حواشی آن نیز بخشی از ذهنیت و توجه ما را به خود جلب کند. با رسانه‌ای شدن این ورزش و گسترش جوانب اقتصادی، فرهنگی، فراغتی و صنعتی آن، مسائل، اثرات و اخبارش از ورزشگاه و حوزه ورزش فراتر می‌رود، و به صحنه عمومی جامعه کشانده می‌شود. گسترش رفتارهای خشونت‌آمیز در میدان این ورزش نیز نشان‌دهنده همین امر است. در کشور ما، خشونت و اوباشگری در فوتبال نظیر کشورهای فوتبال دوست معروف اروپایی، به هیچ‌وجه وجود نداشته است؛ اما به تأثیر از هیجانات و حساسیتهای ایجاد شده بین‌المللی نظیر مسابقات بین ملتی و قاره‌ای یا جام جهانی، تماشاگران و هوادارانی به نسبت خشن در برخی

مسابقات، فضای خشونت و درگیری را به جمع تماشاگران تحمیل می‌کنند. بعضی به اموال عمومی ورزشگاه یا وسایل نقلیه عمومی آسیب وارد می‌کنند.

در ایران گروه، سازمان یا دسته خاصی تحت عنوان اوباشگر یا مدافع خشن تیم خاص شناخته شده نیست. از سویی، هدف اعمال خشن و تخریب‌گرایی افراد خشونت‌گرا، نه تنها تماشاگران و هواداران تیم رقیب، بلکه دیگران مانند بازیکنان، داور و ... را نیز دربر می‌گیرد.

مقاله حاضر که با هدف شناخت دلایل اجتماعی و فرهنگی خشونت‌گرایی تماشاگران فوتبال آغاز شد، وجود برخی متغیرهای گروهی، وضعیتی و خرده فرهنگی را بر گرایش به خشونت مفروض انگاشته است. با بررسی و آزمون مفروضات تحقیق، باید از تأثیر برخی متغیرهای مستقل بر خشونت تماشاگران به عنوان یافته‌های اساسی مقاله سخن گفت. مهم‌ترین عواملی که تحقیق حاضر بر اهمیت تأثیر و ارتباط آنها با اعمال خشونت‌آمیز و درگیری در میادین ورزشی صحنه می‌گذارند به قرار زیر است:

۱. گروه سنی افراد (با میانگین ۲۱ سال) که بر متغیر وابسته و برخی متغیرهای مستقل دیگر از جمله تیم‌گرایی، کینه‌توزی مؤثر بوده است؛
۲. احساسی بودن رفتار و فعالیتها در جمع تماشاگران که با نگرشهای پاسخگویان ارتباط مستقیم داشته است؛
۳. بی‌نامی، تلقین‌پذیری، فشار گروه و جمع که خویشتن‌داری فرد را تضعیف کرده و او را در هیاهوها و خروشهای جمعی وارد می‌کند.
۴. مطالعه مطبوعات تیم‌گرا نظیر استقلال جوان، پیروزی و کیهان ورزشی و تأثیرپذیری از تفاسیر آنها؛
۵. عملکرد نیروی انتظامی حاضر در میدان از حیث حضور موفق و تیم‌گرایی یا بی‌طرفی تیمی پرسنل آن؛
۶. احساس نبود نیروهای کنترل‌کننده در جمع و بروز رفتارهای عنادورزانه و کینه‌توزانه؛
۷. احساس علاقه و تعلق قطبی و افراطی به یک تیم خاص (تیم‌گرایی)؛
۸. عملکرد داور.

در کشورهای اروپایی، برخی عوامل ساختاری مانند نظام طبقاتی، سیستم سیاسی و وضعیت نژادی بر خشونت‌های فوتبالی اثر بارز و مستقیم داشته‌اند. در تحقیقات انجام شده در ایران، وجود اثرات این عوامل در رفتارهای تماشاگران مورد بررسی قرار نگرفته است؛ البته ظاهر موضوع این است که با مشاهده ساده می‌توان حضور این عوامل را در تبیین خشونت‌های فوتبالی در ایران انکار کرد، اما جای مطالعه و تعیین سهم اثرات آنها خالی است و ضرورت تبیین چنین مسئله‌ای احساس می‌شود؛ البته

وجود تأثیر مطبوعات و عوامل وضعیتی و روان‌شناختی در ایران مانند دیگر کشورها مورد تأیید است، اما باز برای تعیین شکل تأثیر و تطبیق آن با شرایط جهانی، به مطالعات بیشتر نیاز است.

بدیهی است اگر خواسته شود در راستای مدیریت بهینه فضای تماشاگران و کنترل رفتارهای خشن آنان تلاشی صورت گیرد، توجه به عوامل مذکور، به موفقیت امر کمک می‌کند. در همین راستا می‌توان از سه دسته راهبردهای مدیریتی و کنترلی شامل راهبردهای اقماعی (آموزشی و فرهنگی)، اجباری (انضباطی، پلیسی و قانونی و ...) و فضایی (منظور عوامل مربوط به مکان، ورزشگاهها و ...) بهره گرفت، اما تأکید بر هر یک از این راهکارها و تضمین کارایی آنها، به مطالعات بیشتر نیازمند است. به عبارت دیگر، ارائه راهبرد برای عمل در این راستا، نیازمند استفاده از نتایج تحقیقات متعدد و انجام نوعی فراتحلیل از یافته‌ها و راهکارهای کوچک و کلان تحقیقات مختلف است. آنچه آشکار است این است که با یک پژوهش آن هم آغازین بر پدیده گسترده و پیچیده خشونت در فوتبال نمی‌توان ابعاد متنوع و چندگانه این پدیده را شناخت. علم به ویژگیها، ماهیت و دلایل گوناگون اثرگذار بر پدیده خشونت‌گرایی در فوتبال، در فرایندی بلندمدت با انجام مطالعات گسترده طولی و مقطعی حاصل می‌شود. بدیهی است پس از حصول این علم، ارائه راهکار روشن و علمی امکان‌پذیر است.

پژوهش ما علیرغم تلاش مستمر در راستای رسیدن به شناختی از موضوع، تمام ابعاد موضوع را دربر نمی‌گیرد. از این‌رو در مقام ارائه راهکارهای قطعی و علمی در راستای تخفیف محسوس مشکلات در حوزه ورزش فوتبال نیز برنیامده است؛ بلکه بر حسب عوامل شناخته شده و اثرگذار بر خشونت عاطفی و عملی تماشاگران مورد مطالعه، به طرح برخی پیشنهادات و اعمال اجرایی از سوی نهادها و سازمانهای مختلف مرتبط با امر فوتبال می‌پردازد که به تفصیل در گزارش نهایی پژوهش مذکور آمده است و در اینجا به دلیل پرهیز از تطویل کلام از بیان آنها خودداری می‌شود.

یادداشت‌ها

در این پژوهش از همکاری و مشاوره آقایان حمید پورنگ، سیدضیا هاشمی، سیدرضا حسینی، احمد نوریان، بتولی، توحید عبدی و احمد کاهه استفاده شده است که به نشانه امتنان از ایشان یاد شده است.

منابع

- آتشی، محمد (۱۳۸۳)، خاستگاه اجتماعی افراد دستگیرشده متعاقب بازیهای فوتبال در تهران (مطالعه نظری همراه با پژوهشی اسنادی در پرونده دستگیرشدگان)، *پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت و پرخاشگری در ورزش فوتبال، *پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عنبری، موسی (۱۳۸۱)، *بررسی علل خشونت‌گرایی در میان تماشاگران فوتبال*، معاونت اجتماعی ناجا و جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کوئن، بروس (۱۳۷۷)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- محسنی تیریزی، علیرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۱)، «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی - توصیفی خشونت در ورزش»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۹، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ویلیامز، جان و او دنینگ و پ. مورفی (۱۳۷۹)، *کندوکاوی در پدیده اوباشگری در فوتبال*، ترجمه و تلخیص حسن افشار، نشر مرکز.

- Archett, E. and A. Romero (1994), "Death and Violence in Argentinian Football", In R.Giulianatti, et al. (eds), *Football, Violence and Social Identity*, London: Routledge.
- Clark, j. (1978), *Football and Working Class Fans: Tradition and Change*, In Ingham, et al., *Football Hooliganism: the Wider Center*, London: Inter-Action.
- Cohen, A. (1966), *Delinquent Boys*, New York: the Free Press, Macmilan Co.
- Dal Lago, A. and et al. (1994), *Italian Football Fans: Cultural and Organization*, In R.Giulianotti N. and et al. *Football Violence and Social Identity*, London: Routledge.
- Duke Vic and Crolley Liz (1996), "Football Spectator Behaviour in Argentina: A Case of Separate Evolution", *In the Editorial Board of the Sociological Review pub*, by Black well.
- Dunning and et al. (1988), *the Roots of Football Hooliganism*, London: Routledge and Kegan paul.
- Giulanotti, R. (1989), *Acritical Overview of British Sociological Investigation into Soccer Hooliganism*, in Scotlan and Britaih Ain, Working, Papers on Football Violence, 1.

- (1991), *Scotland's Tartan Army in Italy: the Case for the Carnavalesque*, *Sociological Review*, 39(3): 503- 527.
- Hahn, E. (1987), *Politics and Violence in Soccer in Europe and the F.R.G.* In T.o, Brien (ed) *European Conference on Football Violence*, Preston: Lancashire Poly Technic.
- Hall' S. (1978), *The Treatment of Football Hooliganism: The Wider Context*, London: Interaction.
- Lang sir j. (1969), *Report of the Working Party on Crowd Behaviour at Football Matches*, London: HMSO.
- Leslie, G.; Larson-R. and B. Gorman (1973), *Order and Change*, Oxford Univerysity Press.
- Lowry, P. and R. Rankin (1992), *Sociology: the Sience of Society*, Chorles Scribner's Sons pub.
- Marsh, p. (1977), "Football Hooliganism: Fact or Fiction"?, *Beritish jornal of Law and Society*, 2:256-26.
- (1989), *Destroying the Myths of Football, Hooliganism*, Guardan, 26 May/Far/Lat/
- (2000), *Football Violence and Hooligonism in Europe*, Internet, Contents, html.
- Merrill, F. (1957), *Socity and Culture*, Prentice-Hall Inc.
- Pilz, G. (1996), *Social Factors Influencing Sport and Violence :on the Problem of Football Hooliganism in Germany*, *International Reviwe for the Sociology of Sport* 1.
- Roversi, A. (1991), *Football Violence in Italy*, *Inteernational Reviwe for The Sociology of Sport*, 26:311-330.
- Russell G. W. and j. H. Goldstein (1995), "Personality Differences Between Dutch Football Fans and Non-Fans", *Social Behaviour and Personality*, 23(2): 199-209.
- Spencer, M. (1976), *Foundation of Modern Sociology*, Prenice Hall Inc.
- Stewart, E. and j. Glynn (1985), *Introduetion to Sociology*, Mcgraw-Hill Intevnationall Editions.
- Taylor, I. (1982), *Class Violence and Sport: the Case of Soccer Hooliganism in Britain*, In H. Cantelon and R. Grunean (eds), *Sport Culture and the State*, Toronto: University of Torontopress
- (1984) *Professional Sport and Recession: the Case of Britrsh Soccer*, *International Reviwe for the Sociology of Sport*, 19 (1): 7-30